

## دورتر از شاخه نیلوفر



■ شاعر: محمود درویش  
 ■ مترجم: اصغر علی کرمی  
 ■ ناشر: تمدن علمی

«دورتر از شاخه نیلوفر» مجموعه چهار کتاب از شعرهای محمود درویش، شاعر و نویسنده فلسطینی است. درویش بیش از سی دفتر شعر دارد و اشعارش بیشتر به مسأله فلسطین و اوضاع آن می‌پردازند. درویش میهن‌پرستی بود که با گرایش‌های یهودی‌ستیزی، مخالف بود، اما صهیونیسم را دشمن بشریت می‌دانست و هرگز در مقابل تجاوزگری‌های رژیم صهیونیستی سکوت نکرد. شعر او، صدای مردم فلسطین است.

## خورشید را ندزدید



■ شاعر: ابراهیم احمد  
 ■ مترجم: راضه کارآمد  
 ■ ناشر: شکوه حکمت

کتاب «خورشید را ندزدید» مجموعه شعر پایدار فلسطین، شامل دوازده قصیده به قلم شاعر و مجاهد فلسطینی ابراهیم احمد المقادامه است. ابراهیم احمد المقادامه، متولد سال ۱۹۵۰ میلادی است که در اردوگاه آوارگان فلسطینی «جبالیه» در شمال نوار غزه چشم به جهان گشود. مقادامه دوران کودکی و نوجوانی‌اش را در این اردوگاه طی کرد. المقادامه زندگی خود را برای خدمت به فلسطین و فلسطینیان گذاشت.

## شعر مقاومت فلسطین؛ از آغاز تا اشغال



■ نویسنده: عزت ملا ابراهیمی  
 ■ ناشر: دانشگاه تهران

این کتاب در چهار فصل تدوین شده است. فصل آغازین به بیان موقعیت جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی فلسطین پیش از اشغال و بیان پیشینه سیاسی و تاریخی این کشور اختصاص دارد. در فصل دوم از مهم‌ترین رویدادهای شعر معاصر فلسطین، سیر تحول آن، تعهد و التزام شاعران و مکاتب مختلف ادبی سخن به میان می‌آید. فصل سوم تحول موضوعی شعر را مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل پایانی کتاب به بیان ساختار هنری و زیرساخت‌های فنی شعر پرداخته است.

بماند/ به خاطر همه چیز و هر چیز/ همه را هم چنان بر درخت زیتون خانه‌ام خواهم کند.

سالم جبران دیگر شاعر فلسطینی است که عمده نگاه خود را به مقاومت در برابر اشغال و رد آن و افشای روش‌ها و آداب و اندیشه خود معطوف داشته است. نوک پیکان شعرهای سالم جبران نه تنها به ملت ستمدیده فلسطین است، بلکه به تمام سرزمین عرب نشانه رفته است. در این راه از نماد به عنوان عنصر اصلی بهره می‌گیرد و در پی آن است تا با استفاده از نمادهای طبیعی به بیان اندیشه‌های خود بپردازد:

بیگانه‌ام صفت/ تو نیز بیگانه‌ای/ خانه‌ها به من لبخند می‌زنند/ اما ساکنانش/ بیرونم می‌رانند/ چرا آواره‌ای/ ای عرب، چرا؟! / سلامت را کسی پاسخ نخواهد گفت؟! / خویشتان زمانی اینجا بودند/ اما گریختند/ سرود غم بر لبانم است/ و در چشم‌هایم/ حقیق‌شمردن شیر.

فدوی طوقان یکی از زنان شاعر فلسطینی است که همپای دیگر شاعران عرب قدم در راه مقاومت نهاد. فدوی زبان شعر ساده‌ای را برگزید و با سرودن شعرهایی با مضامین آمیخته به اندوه ناشی از اشغال سرزمین‌های فلسطینی، جوانان میهن خود را به

مقاومت و مبارزه برمی‌انگیخت. او عشق به سرزمین خود را با احساسات زنانه درآمیخت و وطن را به شکل مادری دردمند می‌بیند که رنج زایش نسلی مبارز را تاب می‌آورد. یا زنی که از معشوق خود دور افتاده است. باری اندوه زنانه و مادرانه را با رنج سرزمینش به نمایش می‌گذارد: عظیم/ آسیاست سنگ تو/ چرخید/ و چرخید/ در شب‌های تیره غم. / اما نمی‌تواند/ و حقیقت از آن است/ که روشنائی تو را نابود کند/ از میان امیدهای پایمال شده‌ات/ و رشد به رنجیر کشیده‌ات/ از میان میان ویرانی/ و شکنجه/ از میان دیوارهای پوشیده از خون/ از میان لرزش‌های مرگ و زندگی/ زندگی پدیدار خواهد شد. / ای سرزمین عظیم/ ای زخم عمیق/ و عشق تنها!

هارون هاشم‌الرشید از دیگر شاعران برجسته فلسطینی است که در سال ۱۹۲۷ در غزه به دنیا آمد و در مناطقی زندگی می‌کرد که صهیونیست‌ها اشغال کرده بودند. او نماینده فلسطین در جامعه کشورهای عربی است. شعر او تصویر درخشان فلسطین در همه اعصار است: فلسطینی/ نام من است... فلسطینی/ به خط خوانا/ بر همه آردگاه‌ها/ نامم را نقش کرده‌ام!! / فراز همه عنوان‌ها. / حروف نامم پیوند خورده است به من/ با من زندگی می‌کند، از من قوت می‌خورد/ روانم را از آتش پر می‌کند/ و در رگ‌هایم می‌تپد/ این است نامم، می‌دائم/ عذابم می‌دهند و اندوهم می‌دمند/ چشمانشان شکارم می‌کنند/ چون نامم فلسطینی است/ شکارم می‌کنند، پی می‌جویندم/ تعقیبم می‌کنند، می‌آزارندم/ چون نامم فلسطینی است/ به شکرانه خود آواره‌ام کرده‌اند...

شعر مقاومت فلسطین به مثابه یکی از نیرومندترین و پویاترین جریان‌های ادبی معاصر عرب است و در پی افزایش ظلم و ستم اسرائیل و اعمال غیرانسانی، آینه تمام‌نمای دردها و پیکارها و پایداری و آزادی است که شاعران زیادی در این راه به شمار می‌روند.



زیبایی‌های شعر آونیس؛ درویش از مقاومت می‌گوید، از ایستادگی و چه ماهرانه و استادانه می‌کوشد سیر تغزل در عشق را در انقلاب سنگ در سرزمین فلسطین جست‌وجو کند:

با دانوب و اردن و ولگا/ بارودخانه‌ها و آبشاران و گل‌ها/ من، نایی در ارکستر/ همه آنهایی هستم که چشمانشان غبار دیروز را می‌زداید...

اما شعر مقاومت، تنها به محمود درویش خلاصه نمی‌شود. و نباید شود! چون شعر مقاومت، ابدی است؛ تا لحظاتی که سرزمین مقدس قدس به مردم فلسطین برسد؛ به اصل خویش، شعر مقاومت ادامه دارد. سمیح القاسم از دیگران شاعران فلسطینی است که در آغاز رویکردی سوسیالیستی داشت، به شعر متعهد روی آورد و به مبارزه سیاسی توجه نشان داد و مضامین شعرهای خود را بر پایه مفاهیم سیاسی بنا نهاد. او که از بانیان جنبش نوگرایی در شعر مدرن عرب بود، درباره مقاومت مردم فلسطین و وفاداری آنان به سرزمین مادری و هویت عربی خودشان آثاری خلق کرده است و علیرغم غم‌ها و دردهای مردم و سرزمینش، همواره با امید به پیش رفته است. سمیح القاسم که نامش با مبارزه پیوند خورده، به همراه محمود درویش و معین بسیسو، مثلث شعر مقاومت را تشکیل می‌دهند:

اگر باید که نامم را از دست بدهم/ اگر باید که پیراهن و بسترتم را بفروشم/ اگر باید که سنگ‌تراشی کنم/ یا باربری/ یا جاروکنشی/ اگر باید که انبارهایت را پاک کنم/ یا نان را از میان زباله‌ها بجویم/ یا از گرسنگی بمیرم و تمام شوم/ دشمن انسان!! / سازش نمی‌کنم/ و تا پایان می‌جنگم

سمیح القاسم را صدای مردم فلسطین دانسته‌اند. او تمام زندگی خود را بر پایه حمایت از حق و عدالت و حمایت از سرزمین مادری خود گذارده است:

مادر!! درد می‌کشم مادر/ که چشمانت را اشک فرامی‌گیرد، هنگامی که دوستی در خانه را می‌کوبد/ و از من می‌پرسد. / ایمان دارم مادر!! / که جلال زندگی/ در زندان من زاده می‌شود/ و ایمان من این است/ که آخرین دیدارگر من/ سیاه‌گوشکی کور نخواهد بود/ باید که دور بیاید/ باید که روز بیاید.

توفیق زیاد از دیگر شاعران فلسطینی است که با طرح مضامینی نو جایگاه خاصی در ادبیات معاصر یافته است. او همواره در راه خدمت به آرمان‌های فلسطین و برانگیختن احساسات مردمی برخاسته و از میراث فکری و هنری این مرز و بوم دفاع نموده است. او با بهره‌گیری از زبان رمزی و نماد از جمله نمادهای طبیعی و تاریخی و نیز توجه به موسیقی شعر و همچنین تصاویر استعاره‌ای و کنایی و تشبیهی به تبیین مفاهیم و مضامین شعری خود پرداخته است. شعرهای توفیق زیاد فریادی برای ملت فلسطین است:

بافنده چون نسیم/ و همواره در تعقیبم/ و خانه‌ام در معرض هجوم است/ از آنجا که نمی‌توانم تکه کاغذی را حتی، صاحب باشم/ یادگارهایم را/ بر درخت زیتون خانه‌ام خواهم کند. / نام تمامی شکنجه‌گران را خواهم کند/ نام زندان‌هایشان را/ و نشان بازگانی زنجیرهایشان را/ پرونده‌های زندانبانان را/ و ناسزاهایشان را خواهم کند/ برای آن که به یادگار